

## نقد و معرفی کتاب راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی)

علی صابونچی\*

دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران

راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی) حاصل زحمات دکتر سعید عریان است که اخیراً در مجموعه کهن‌نامه‌های انتشارات علمی تجدید چاپ شده است. این کتاب که پیش‌تر در سال ۱۳۸۲ از سوی معاونت معرفی و آموزشی سازمان میراث فرهنگی چاپ و نشر یافته، از محدود کتاب‌هایی به زبان فارسی است که مشخصاً به بررسی کتیبه‌های ایرانی میانه غربی می‌پردازد و در میان همین کتاب‌های معدود، به روشی علمی‌تر و دقیق‌تر نگارش یافته است.<sup>۱</sup>

### ۱. معرفی کتاب

راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی) به لحاظ تاریخی به دو دوره اشکانی و ساسانی تقسیم شده است. علت این تقسیم‌بندی تاریخی این است که کتیبه‌های پهلوی اشکانی (پارتی) موجود، بازمانده از دو دوره تاریخی اشکانی و ساسانی‌اند، البته بیشترین کتیبه‌های موجود به زبان پهلوی اشکانی، به دوره ساسانی تعلق دارند.

از مهم‌ترین کتیبه‌های پهلوی اشکانی (پارتی) از دوره اشکانی می‌توان به سفال‌نوشته‌های نسا، مرو، بنچاق اورامان، کتیبه بلاش چهارم بر مجسمه برنزی هرکول مکشوف در عراق، سنگ‌نوشته نیم‌تنه بلاش چهارم و سنگ‌نوشته مزار خواسگ شهریان شوش اشاره کرد (تفضلی، ۱۳۸۳: ۷۵-۷۹؛ رضایی باغبیدی، ۱۳۸۵: ۱۶-۲۰). از میان کتیبه‌های نام‌برده، کتاب راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی) تنها به بررسی بنچاق اورامان بسنده کرده و جای بررسی کتیبه بلاش چهارم بر مجسمه برنزی هرکول مکشوف در عراق و سنگ‌نوشته مزار خواسگ شهریان شوش که ساختار زبانی آسیب‌ناپذیر و کامل‌تری دارند، در این راهنما خالی است.

---

\* E-mail: m.alisabounchi@gmail.com

در کتاب حاضر کتیبه‌های دوره ساسانی به سه بخش کتیبه‌های دولتی و خصوصی و سنگ مزار تقسیم شده‌اند. در بخش کتیبه‌های دولتی ساسانی، تحریرهای پهلوی اشکانی (پارتی) هر کتیبه در کنار تحریرهای فارسی میانه آورده شده است. کتیبه‌های موجود از نخستین شاهان ساسانی عمدتاً سه‌زبانه (پهلوی اشکانی، فارسی میانه، یونانی) هستند. خوشبختانه تحریرهای سالم موجود از هر زبان به بازسازی بخش‌های تخریب‌شده تحریر دیگر کمک می‌کند، زیرا هر یک از این تحریرها از روی یک نسخه مشترک ترجمه و نوشته شده است، البته اینکه تحریر اصلی هر یک از کتیبه‌ها به کدام زبان بوده، محل بحث و بررسی است.

کتیبه‌های این کتاب با علائم اختصاری نشانه‌گذاری شده‌اند: نخستین نشانه حرف نخست نام بانی کتیبه است (مثلاً شاهپور: Š)؛ دومین و سومین نشانه، حرف نخست و پایان نام محل کشف و یا محل قرار گرفتن کتیبه است (مثلاً نقش رجب: NRb).

بررسی هر کتیبه با توضیحی درباره محل قرارگرفتن یا محل کشف کتیبه آغاز شده و سپس منابع پیشینه تحقیق هر کتیبه به صورت نام مؤلف و سال پدید آمدن پیشینه، آورده شده است. برای تحریرهای هر یک از کتیبه‌های این کتاب «حرف‌نوشت» و «آوانوشتی» آورده شده، اما اگر کتیبه‌ای دو تحریر به پهلوی اشکانی و فارسی میانه داشته، به یک ترجمه برای همه تحریرهای کتیبه بسنده شده است. در یک مورد تحریر یونانی کتیبه اردشیر در نقش رستم ترجمه‌ای جداگانه دارد، اما برای هر سه تحریر (پهلوی اشکانی، فارسی میانه، یونانی) کتیبه شاپور اول در نقش رستم، یک ترجمه آمده است. در مواردی هم که تحریرهایی آسیب دیده‌اند و نیاز به بررسی دقیق‌تر در مدت‌زمان طولانی‌تری داشته‌اند، یک تحریر به جای تحریر یا تحریرهای آسیب‌دیده حرف‌نویسی، آوانویسی و ترجمه شده و تحریرهای دیگر کنار گذاشته شده است. چنانچه هر بخشی از حرف‌نوشت، آوانوشت و ترجمه توضیحی نیاز داشته، در انتهای هر یک از بخش‌های حرف‌نوشت، آوانوشت و ترجمه، یادداشتی آورده شده است.

## ۲. نقد و بررسی ساختار کتاب

عنوان این کتاب، یعنی «راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی)»، با به همراه داشتن لفظ «راهنما» باعث ایجاد توقعات خاصی در خواننده می‌شود؛ اصولاً و منطقاً، راهنما کتابی است

آموزشی که با هدف آشنایی مقدماتی و آموزش ابتدایی برای زبان‌آموزان نوپا نوشته می‌شود. وجود مقدمه‌ای کافی و وافی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک کتاب راهنمای زبان باستانی است، در حالی که نویسنده کتاب حاضر به مقدمه‌ای سه‌صفحه‌ای اکتفا کرده که بیش از نیمی از آن هم به نکاتی درباره سبب تألیف و توضیحاتی درباره ساختار کلی کتاب و تشکرهای مألوف اختصاص دارد. با اینکه توضیحات جغرافیایی و صوری در آغاز هر کتیبه آمده است، جای جدولی از خط‌های به‌کاررفته در کتیبه‌های این کتاب، توضیحاتی درباره نظام نوشتاری، شیوه آوانویسی و حرف‌نویسی و مقدماتی از ساختار زبانی (واج‌شناسی، نحو و صرف) کتیبه‌ها خالی است. هرچند فرض را بر این نهیم که در منابع و آثار پیشین این کتاب، موارد یادشده موجود است، با این حال، نباید فراموش کرد که عنوان کتاب، یعنی «راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی)»، وجود هرگونه ارجاع به اثری دیگر را منتفی می‌سازد، زیرا راهنما با این فرض نوشته می‌شود که نوآموز فهم درست و دقیق متون متقدم و توانایی استفاده از آنها را ندارد یا منابع و آثار پیشین برایش قابل‌دسترسی نیست. علاوه بر این، راهنما کتابی است کل‌نگر و باید به گونه‌ای دقیق و راه‌گشا نوشته شود تا پژوهشگران سایر رشته‌های مرتبط نیز به هنگام نیاز بتوانند به‌آسانی از آن استفاده کنند.

در اکثر کتاب‌های راهنمای زبان‌های باستانی، به زبان فارسی و یا غیرفارسی، وجود واژه‌نامه‌ای هرچند در حد ترجمه واژگان و بدون بسامد، مشهود و مألوف است؛ در کتاب حاضر نیز، گرچه ترجمه‌ای کلی از هر کتیبه داده شده، اما وجود واژه‌نامه یا حداقل فهرستی از واژه‌ها اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، چراکه کار زبان‌آموز را در یادگیری آسان‌تر می‌کند و سرعت می‌بخشد. از بهترین نمونه‌های راهنما که برای دانشجویان زبان‌های باستانی ایران به فارسی نوشته شده است، می‌توان به راهنمای زبان‌های باستانی تألیف محسن ابوالقاسمی اشاره کرد. کتاب مذکور همه ویژگی‌های یاده‌شده یک کتاب راهنما را دارد.

نکته دیگری که در کتاب کار را کمی دشوار می‌کند، شماره‌گذاری نشدن سطرهای متن اصلی کتیبه‌هاست. سهولت در تطبیق متن اصلی با حرف‌نوشت و آوانوشت و ترجمه، نخستین نکته‌ای است که در کتاب آموزشی نباید از قلم بیفتد.

## ۳. نقد و بررسی ترجمه

## ۳-۱. یک ترجمه برای دو تحریر متفاوت

در کتاب حاضر برای کتیبه‌ای که دو تحریر به پهلوی اشکانی و فارسی میانه داشته، تنها یک ترجمه برای هر دو تحریر آورده شده است. در یک مورد تحریر یونانی کتیبه اردشیر در نقش رستم ترجمه‌ای جداگانه دارد، اما برای هر سه تحریر (پهلوی اشکانی، فارسی میانه، یونانی) کتیبه شاپور اول در نقش رستم، یک ترجمه آمده است. این امر سبب شده، در مواردی ترجمه‌ای آزاد ارائه شود که اگرچه به مفهوم جمله‌ها لطمه‌ای وارد نکرده، ولی دقت موردنیاز در ترجمه کتاب راهنما به شدت زیر پا گذاشته شده است.

تحریر پهلوی اشکانی و فارسی میانه کتیبه شاپور در حاجی‌آباد و تنگ براق، مگر در مواردی، واژه‌به‌واژه از هم پیروی می‌کنند، اما ترجمه یکسان از جمله پایانی این دو کتیبه، این بخش کتاب را دچار خلل کرده است:

Prt. *kē tiyr ō hō cīd žāmēd hō-b dast nēw ahāδ.*

(عریان، ۱۳۹۲: ۳۷)

{پس} کسی که تیر را به آن چینه می‌راند، او نیکو دست است.

Mpr. *pas kē tigr ō ān cīdāg abganēd ōy dast nēw.*

(عریان، ۱۳۹۲: ۲۴)

پس کسی که تیر را به آن چینه پرتاب می‌کند، او نیکو دست {است}.

در کتاب حاضر برای این دو جمله یک ترجمه آزاد آورده شده است:

پس کسی که تیر به آن سنگ‌چین افکند، او نیو دست است (عریان، ۱۳۹۲: ۳۸).

این در حالی است که *žāmēd* Prt. مضارع اخباری سوم شخص مفرد از ماده مضارع *žām-* به معنی «راندن، روانه کردن» (ژینیو<sup>۲</sup>، ۱۹۷۲)، از ریشه *gam-* به معنی «حرکت کردن» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۴: ۱۹۸) است، ولی *abganēd* Mpr. مضارع اخباری سوم شخص مفرد از ماده

مضارع *abgan-* به معنی «افگندن، پرتاب کردن» (ژینیو، ۱۹۷۲)، از ریشه *kan-* به معنی «نهادن، قرار دادن» (چونگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷: ۲۳۰) که با پیشوند *apa-* به معنی «پرتاب کردن» (همان) است. در چند سطر بالاتر در همین کتیبه، معادل *Mpr. abgand* در پهلوی اشکانی، *aβgand* آمده که نشان می‌دهد بار معنایی *Mpr. abgand* با *Prt. aβgand* برای می‌کند و *Prt. žāmēd* معانی دیگری دارد. مکنزی نیز گرچه برای هر دو تحریر کتیبه یک ترجمه آورده است، اما دقیقاً به این تمایز اشاره کرده و *Mpr. abgand* را به «پرتاب کند» و *Prt. žāmēd* را به «روانه کند» ترجمه کرده است (مکنزی<sup>۴</sup>، ۱۹۷۸).

### ۲-۳. عدم تطابق میان صورت صرف‌شده فعل و ترجمه آن

۱-۲-۳. از کتیبه شاپور یکم در کعبه زردشت بند ۱۷ (عریان، ۱۳۹۲: ۶۷):

Prt. W pty y'ztn pwšt ZNH 'wnt hštr YB<sup>5</sup>Hm W HHSNWm  
*ud pad yazdān pušt im awand šahr wxāzām ud dārām.*

و (نیز) به پشتیبانی ایزدان این چند شهر را خواستیم و به دست آوردیم.

*wxāzām* و *dārām* به معنی «می‌خواهیم» و «نگاه می‌داریم» (ژینیو، ۱۹۷۲)، هر دو مضارع اخباری اول شخص جمع‌اند اما اینجا به ماضی ساده اول شخص جمع ترجمه شده‌اند.<sup>۵</sup>

۲-۲-۳. از کتیبه شاپور یکم در کعبه زردشت بند ۱۷ (۶۷):

Prt. W TNH-š pty npwšt YDRYKWm.  
*ud ēdar-iž pad nibišt nibāyām.*

و نیز در اینجا بنابراین کتیبه بر پا کردیم.

*nibāyām* به معنی «برپا می‌کنیم» (ژینیو، ۱۹۷۲)، مضارع اخباری اول شخص جمع است، اما اینجا به ماضی ساده اول شخص جمع ترجمه شده است.<sup>۶</sup>

۳-۲-۳. از کتیبه شاپور یکم در کعبه زردشت بند ۱۹ (عریان، ۱۳۹۲: ۶۸):

Prt. W LHw MH ZNHn 'twrn YNTNm.  
*ud hō cē imīn ādurān dahām.*

آنچه که (ما) به این آتشان (اختصاص) دادیم.

*dahām* به معنی «می‌دهیم» (ژینیو، ۱۹۷۲)، مضارع اخباری اول شخص جمع است، اما اینجا به ماضی ساده اول شخص جمع ترجمه شده است.<sup>۷</sup>

۳-۲-۴. از کتیبه کرتیر در نقش رجب سطر ۲۵ (عریان، ۱۳۹۲: ۱۶۸):

Mpr. <sup>7</sup>Pm KBYR NPŠH ŠM gtw'kyhy QDM gty p'thštly W m'tgd'n  
YKTYBWN YK<sup>7</sup>YMWNT<sup>7</sup> Yk ...

*u-m was xwēš nām gyāgīh abar gat pātixšīr ud mādayān nibišt ēstād kū...*

و من نام خویش را در بسیار جای‌ها بر سند و پیمان‌نامه و گزارش‌ها نوشتم که ...

ژینیو (۱۹۷۲) YK<sup>7</sup>YMWNT را *ēstād* آوانویسی کرده و باک<sup>۸</sup> (۱۹۷۸: ۴۸۳) YKTYBWN YK<sup>7</sup>YMWNT را «نوشتم» ترجمه کرده است. فرای<sup>۹</sup> (۱۹۶۵) این جمله را ماضی نقلی مجهول ترجمه کرده است: «شکوه<sup>۱۰</sup> نام من بسیار بر اسناد و عهد و مدارک نوشته شده است». *t-* در پایان -YK<sup>7</sup>YMWNT بیانگر شناسه مضارع اخباری سوم شخص مفرد است که در فارسی میانه زردشتی و پهلوی اشکانی کتیبه‌ای نیز همین کاربرد را دارد؛ بنابراین، YK<sup>7</sup>YMWNT همان‌گونه که ژینیو تشخیص داده، باید *ēstād* آوانویسی شود. در اینجا *ēstād* فعل کمکی برای بیان ماضی نقلی است؛ YKTYBWN YK<sup>7</sup>YMWNT باید «نوشته‌ام» ترجمه شود. دلیل دیگری که نشان می‌دهد YKTYBWN YK<sup>7</sup>YMWNT را باید «نوشته‌ام» ترجمه کرد، بافت جمله است. نهاد جمله (کرتیر) عملی را بازگو می‌کند که در بازه زمانی‌ای در گذشته انجام شده و اثر و نتیجه آن تا زمان حال و حتی آینده نیز که دیگران آن را بخوانند، پابرجاست. حرف ربط *kū* در آغاز جمله پیرو بیانگر همین نتیجه و اثر است:

*u-m was xwēš nām gyāgīhā abar gat pātixšīr ud mādayān nibišt ēstād kū  
az frāstar zaman pādixšīr, mādayān, ayāb gat ayāb any nāmag wēnēd ān  
dānādkū...*

من (کردیر) {بدان علت} نام خویش، بسی، در جای‌ها بر سند و معاهده و فرمان‌ها نوشته‌ام تا کسی که در آینده عهد، فرمان‌ها یا اسناد یا هر نامه دیگر را می‌بیند بداند که ....

۳-۲-۵. از کتیبه کرتیر در کعبه زردشت؛ بند ۱ (عریان، ۱۳۹۲: ۱۸۳):

Mpr. W<sup>h</sup> NH krtyr ZY mgwpt yzd'n W šhpwhr y MLK'n MLK<sup>h</sup> hwplst'y W hwk'mky HWYNn.

*ud az kirdīr ī mōwbid, yazdān ud šābuhr ī šāhān šāh hupristāy ud hukāmag hān.*

پس من کرتیر موبد به ایزدان و شاپور شاهان شاه، خوب خدمت‌کننده و خوش‌نیت بوده‌ام.

HWYNn در این جمله به *hān* (مضارع التزامی) آوانویسی شده و بدون آنکه دلیلی ذکر شود، به ماضی نقلی اول شخص مفرد ترجمه شده است. باک (۱۹۷۸: ۱۸) احتمال داده HWYN هزوارش *nimūdan* باشد و آن را «نشان دادن و به نمایش گذاشتن» معنی کرده و فرض کرده که به جای شناسه مضارع التزامی اول شخص مفرد -n، صورت صحیح باید شناسه مضارع اخباری سوم شخص مفرد -t باشد. او جمله را این‌گونه ترجمه کرده است: «و من کرتیر موبد به ایزدان و شاپور شاهان شاه جانسپار و خوش‌نیت توجه کردم» (همان: ۱۳۸۴).<sup>۱۱</sup> ژینیو (۱۹۹۱: ۱۲۱) برای HWYNn قرائت *hān* مضارع التزامی اول شخص مفرد از ماده h- (بودن) را پسندیده و به «باشم، خواهم بود» ترجمه کرده است. مکنزی (۱۹۸۹) این واژه را HWYTN خوانده، به *\*istān*<sup>۱۲</sup> آوانویسی و به «امیدوارم پیوسته باشم» ترجمه کرده است.

#### ۴. نقد و بررسی «آوانوشت»

۴-۱. در کتاب حاضر، در موارد زیادی با تناقض در آوانویسی مواجهیم و از آنجا که بروز هر تناقضی بیش از یک یا دو مورد است، احتمال اشتباه نگارشی منتفی است. کتاب حاضر با عنوان راهنما و با هدف ارائه «آوانوشت» و «حرف‌نوشت» برای تساهل کار و آموزش زبان‌آموزان نوشته شده است؛ بنابراین، سبب تألیف کتاب وجود این دست تناقضات را توجیه‌ناپذیرتر می‌کند. بسیاری از این تناقضات به واژه‌های پریسامد و بسیار ساده زبان‌های ایرانی میانه غربی تعلق دارد. چون مشتبی بیان خروار می‌کند، چند نمونه ذکر می‌شود:

۴-۱-۱. *Prt. 'wpdštn*: فرمان دادن

*apdišt*: فرمان دادیم (تحریر پهلوی اشکانی (پارتی) کتیبه شاپور یکم در حاجی‌آباد) (عریان، ۱۳۹۲: ۳۷).

*ōpdišt*: فرمان دادیم (تحریر پهلوی اشکانی (پارتی) کتیبه شاپور یکم در کعبه زردشت: بند ۱۶ و بند ۲۲) (همان: ۶۷-۶۸).

*ōpdēsēm*: فرمان می‌دهیم (تحریر پهلوی اشکانی (پارتی) کتیبه شاپور یکم در کعبه زردشت: بند ۱۹) (همان: ۶۸).

۴-۱-۲. *Prt. RMYtn*: افگندن

*aβgand*: بیفگندیم (تحریر پهلوی اشکانی (پارتی) کتیبه شاپور یکم در حاجی‌آباد) (همان: ۳۷).

*abgand*: افگندیم (تحریر پهلوی اشکانی (پارتی) کتیبه شاپور یکم در تنگ براق) (همان: ۴۶).

۴-۱-۳. *Mpr. dwšhwy*: دوزخ

*dušux*: کتیبه کرتیر در نقش رجب: سطر ۸ و ۱۸) (همان: ۱۶۹).

*dušox*: کتیبه کرتیر در نقش رجب: سطر ۵) (همان).

۴-۱-۴. *Mpr. mgwpt*: موبد

*mōbed*: کتیبه کردیر در نقش رجب: سطر ۲۸) (همان: ۱۶۹).

*mōbid*: کتیبه کردیر در نقش رجب: سطر ۲۹ و ۳۰) (همان: ۱۶۹).

*mowbid*: کتیبه کردیر در کعبه زردشت: بند ۱ و بند ۱۸) (همان: ۱۸۷ و ۱۹۰).

*mowbed*: کتیبه کردیر در کعبه زردشت: بند ۴ و بند ۱۸) (همان).



## ۴-۱-۵. Mpr. 'yhrpt / 'yhlpt: هیربد

*hērbēd* (کتیبه کردیر در نقش رجب: ۶۹ سطر ۲۸) (همان: ۱۶۹).

*hērbid* (کتیبه کردیر در کعبه زردشت: بند ۱۷) (همان).

## ۴-۱-۶. Mpr. ptpwrsytn / ptpwrs'tn: بازخواندن، فراخواندن

*pahipursād* بازخواند (کتیبه شاپور سگانشاه در پرسپولیس/۲: سطر ۴) (همان: ۱۵۹).

*pahipursād* بازخواند (کتیبه کردیر در نقش رجب: سطر ۱۴) (همان: ۱۶۹).

*paypursād* بازخواند (کتیبه کردیر در کعبه زردشت: بند ۱۸) (همان: ۱۹۰).

## ۴-۱-۷. Mpr. ktkln / ktkl'n: اعمال، کردگان

*kirdagān* (کتیبه کردیر در نقش رجب) (همان: ۱۶۹).

*kardagān* (کتیبه کردیر در کعبه زردشت) (همان: ۱۸۳).

## ۴-۲. آوانویسی شناسه‌های فعلی

۴-۲-۱. در پهلوی اشکانی (پارتی) شناسه مضارع اخباری اول شخص مفرد  $\bar{m} = -\bar{am}$ ، و شناسه مضارع اخباری اول شخص جمع  $\bar{m} = -\bar{am}$  و  $um = -wm$  است. در فارسی میانه، شناسه مضارع اخباری اول شخص مفرد و جمع  $\bar{m} = -\bar{ym}$  است. در کتاب حاضر در آوانوشت متن پهلوی اشکانی، شناسه اول شخص فارسی میانه،  $\bar{em}$ ، به جای شناسه اول شخص پهلوی اشکانی،  $\bar{am}$ ، آمده است.

*ōpdēsēm* به جای *ōpdēsām* فرمان می‌دهیم (تحریر پهلوی اشکانی (پارتی) کتیبه شاپور یکم در کعبه زردشت: بند ۱۹) (همان: ۶۸).

۴-۲-۲. در کتیبه‌های ایرانی میانه غربی، حرف  $t$  در موارد مختلفی به کار می‌رود. این حرف برای نشان دادن ماده ماضی  $būd = YHWWNt$  (ژینیو، ۱۹۷۲) یا به‌عنوان شناسه مضارع اخباری سوم شخص مفرد  $bawēd = YHWWN$  (همان) یا به‌ندرت، برای نشان دادن شناسه

مضارع التزامی سوم شخص مفرد، به انتهای پایه هزوارشی فعل افزوده می‌شود<sup>۱۳</sup>؛ بنابراین، t- در انتهای پایه هزوارشی بنا به بافت جمله، به t و d پایانی ماده ماضی، *-ēd* شناسه اخباری سوم شخص مفرد و *-ād* شناسه التزامی سوم شخص مفرد آوانویسی می‌شود. در کتاب حاضر، این حرف حتی در جمله‌ای تکراری، گاهی به *-ēd* و گاهی به *-ād* آوانویسی شده است. در این بخش برای به درازا نکشیدن سخن، به ذکر یک مورد اکتفا می‌شود:

۱. کتیبه کردیر در نقش رجب: سطر ۱۳ (عریان، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

Mpr. W MNW ZNH n'mky HZY'INt W ptpwrs't ZK PWN yzd'n W  
MR<HYn NPŠH lwb'nl'ty W l'sty 'yw YHWWN.

*ud kē ēn nāmag wēnēd ud pahipursād ān pad yazdān ud xwadāyān ud  
xwēš ruwān rād ud rāst ēw bawēd.*

کسی که این نامه (=کتیبه) را ببندد و (آن را) بازخواند، باشد که او نسبت به ایزدان و خدایان (=فرمانروایان) و روان خویش راد و راست شود.

۲. کتیبه کردیر در کعبه زردشت: بند ۱۸ (همان: ۱۸۶).

Mpr. W MNW ZNH n'mky HZY'INt W pt pwls't ZK PWN yzd'n W  
MR<HYn NPŠH lwb'n l'ty W l'sty 'yw YHWWN.

*ud kē ēn nāmag wēnād ud paypursād ān pad yazdān ud xwadāyān ud  
xwēš ruwān rād ud rāst ēw bawēd.*

و هر که این نامه را به ببندد و بخواند، او نسبت به ایزدان و فرمانروایان و روان خویش راد و راست باشد.

حرف‌نوشت هر دو جمله یکی است با بافت معنایی و ترجمه‌ای تا حدودی یکسان؛ حال آنکه آوانوشت آن متفاوت است.

۳-۲-۴. در ایرانی میانه غربی، فعل مضارع تمنایی با پیوستن شناسه خاص تمنایی *Mpr.-ēh* و *Prt. -ēndē(h)* به ماده مضارع ساخته می‌شود. در روش دیگر، *Mpr. ē(w)* و *Prt. hēb* پیش از فعل مضارع اخباری می‌آید و فعل مضارع تمنایی ساخته می‌شود (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۵: ۱۲۶). در کتاب حاضر فعلی که همراه *hēb* آمده با آنکه در حرف‌نوشت هیچ شناسه‌ای ندارد، با شناسه

*ēndēh* آوانویسی شده است. این در حالی است که در تحریر فارسی میانه همین جمله، فعل همراه *ēw*، مضارع اخباری و به صورت صحیح آوانویسی شده است:

۱. تحریر پهلوی اشکانی (پارتی) کتیبه شاپور یکم در حاجی‌آباد و تنگ براق (عریان، ۱۳۹۲: ۳۷ و ۴۵).

Prt. W HTY<sup>></sup> <LHw šyty hyp ŠDYW.

*ud tiyr ō hō cīd hēb widēnēh*<sup>۱۴</sup>.

و او تیر به آن سنگ‌چین پرتاب کند.

۲. تحریر فارسی میانه کتیبه شاپور یکم در حاجی‌آباد و تنگ براق (همان: ۳۳ و ۴۳).

Mpr. W HTY<sup>></sup> <L ZK cyt'k 'yw ŠDYTN.

*ud tigr ō ān cīdāg ēw wihēd.*

### ۵. قرائت‌های نو بدون توجیه

در کتاب حاضر برای برخی واژه‌هایی که قرائت آنها دشوار و یا اختلاف‌برانگیز است، آوانوشتی آمده که نه ارجاع به منبعی دارد و نه توجیهی ریشه‌شناختی برای قرائت جدید آورده شده است. باید یادآوری کرد که ژینیو و باک به علت بحث‌برانگیز بودن هرگونه قرائت، تنها این واژه‌ها را از روی بافت جمله معنی کرده و آوانوشتی برای آنها نداده‌اند.

۱-۵. Prt. prtšywd از تحریر پهلوی اشکانی (پارتی) کتیبه شاپور یکم در کعبه زردشت: بند ۲۲ (همان: ۶۷).

*partšēd* آوانویسی و به «باقی می‌ماند» ترجمه شده است.

۲-۵. Mpr. phlsty از کتیبه کرتیر در نقش رجب: سطر ۱ (همان: ۱۶۸).

*pahrist* آوانویسی و به «خدمت کردم» ترجمه شده است.

Mpr. W<sup>></sup> NH krtyr BYN štly PWN l'styhy phlsty HWHm.

*ud az kardīr andar šahr pad rāstīh pahrist hēm.*

پس من کردیر در شهر با راستی خدمت کرده‌ام.

۳-۵. Mpr. glsty از کتیبه کرتیر در کعبه زردشت: بند ۱۰ (همان: ۱۸۵).

*grist* آوانویسی و به «لانه» ترجمه شده است.

در پایان باید افزود که کتاب حاضر به‌عنوان پژوهش سعید عریان انتشار یافته است، اما با توجه به توضیحات و نکاتی که آورده شده، این موضوع به ذهن متبادر می‌شود که کتاب حاضر بیشتر حاصل گردآوری است تا پژوهش.

### منابع

ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۴). *راهنمای زبان‌های باستانی ایران، جلد دوم: دستور و واژه‌نامه*. تهران: سمت.

تفضلی، احمد. (۱۳۸۳). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. تهران: سخن.

رضایی باغبیدی، حسن. (۱۳۸۵). *راهنمای زبان پارتی*. تهران: ققنوس.

عریان، سعید. (۱۳۹۲). *راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی)*. تهران: علمی.

Back, M. (1978), *Die Sassanidischen Staatsinschriften*, Acta Iranica 18. Teheran-Liege.

Cheung, J. (2007). *Etymological Dictionary*. Brill.

Frye, R. (1965). "The Middle Persian Inscription of Kartir at Naqš Rajab". *Indo-Iranian Journal*, VIII. Leiden.

Ginoux, Ph. (1972). *Glossaire des Inscriptions Pehlaviet Parthes*. Supplementary Series II. London.

\_\_\_\_\_ (1991), *Les Quatre Inscriptions du Mage kirdir*, Paris.

MacKenzie, D. N. (1978). "Shapur's Shooting", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*. University of London. Vol. 41. No. 3. 499-511.

\_\_\_\_\_ (1989), "Kerdir's inscription", *The Sasanian rock reliefd at Naqsh-I Rostam 6. Iranische Denkmäler, Reihe II: Iranische Felsreliefs, I*, Berlin, 35-72.

## پی‌نوشت:

۱- کتاب‌هایی چون:

- اکبرزاده، داریوش و محمود طاووسی. (۱۳۸۵)، کتیبه‌های فارسی میانه، تهران، خانه فرهیختگان هنرهای دستی.

- اکبرزاده، داریوش. (۱۳۸۵)، سنگ‌نبشته‌های کردیر موبدان موبد، تهران، پازینه.

2. Gignoux

3. Cheung

4. MacKenzie

۵- ترجمه نگارنده با ترجمه باک (۱۹۷۸: ۳۲۹) برابری می‌کند.

۶- ترجمه نگارنده با ترجمه باک (همان: ۳۳) برابری می‌کند.

۷- ترجمه نگارنده با ترجمه باک (همان ۳۳۵) برابری می‌کند.

8. Back

9. Frye

۱۰- فرای *gtw'kyhy* را *nēakīh* خوانده و شکوه معنی کرده‌است.

۱۱- گویی نگارنده همه دقت خود را به ترجمه باک معطوف داشته‌است.

۱۲- درباره این واژه نک:

MacKenzie, D. N. (1984), *HWYTN: Stance and existence*, Middle Iranian Studies, *Orientalia Lovaniensia Analecta*, No.16, 45-65.

۱۳- به ویژه در پهلوی اشکانی که  $\bar{a} = -'$  پیش از *n* (در  $\bar{a}n$  - جمع) و *t* (در  $\bar{a}d$  - شناسه سوم شخص مفرد) نوشته نمی‌شود:  $\bar{a} = MLKTHn = bāmišnān$  (ŠKZ18).

۱۴- نکته شایان ذکر این است که در ایرانی میانه غربی ماده مضارع *wīstan* به معنی (پرتاپ

کردن تیر)، *wih-* است، نه *wid* (چونگ، ۲۰۰۷: ۲۳۰).